

نیروهای دموکراتیک سوریه و ایران؛

عبرتی برای عبرت آموزان

مهندس حسب الله النور - ولایت سودان

نظرات سیاسی



«تام باراک»، فرستاده آمریکا در امور سوریه، اظهار داشت: هدف اصلی نیروهای دموکراتیک سوریه (فلسد) بمعنوی نیروی محوری مبارزه با داعش بر روی زمین، به پایان رسیده است. (حلب الیوم، ۲۰۲۶/۱/۱۹).

در مقابل، همزمان با تشدید لحن تهدیدآمیز آمریکا علیه سوریه، در دیرزمانی در خدمت سیاست‌های آن کشور در منطقه بود. انبوه نیروهای نظامی ایالات متحده به شکلی بی‌سابقه در آب‌های خاورمیانه گرد هم می‌آیند.

نیروهای دموکراتیک سوریه (فلسد) رسماً در ۱۰ اکتبر ۲۰۱۵ میلادی، به معنویان یک نیروی واحد، بلکه در قالب ائتلافی نظامی متشکل از چندین گروه شکل گرفتند. هدف از تشکیل آن‌ها، متحد ساختن نیروهای مختلف محلی برای مقابله با داعش با حمایت مستقیم ائتلاف بین‌المللی به رهبری آمریکا بود.

در حالی که آمریکا حمایت کامل مالی، آموزشی و تسلیحاتی از آن‌ها را بر عهده گرفت تا به پیمانۀ نبرد با داعش، منافع خود را در منطقه محقق سازد. اما پس از پایان یافتن نقش آنان، ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا، نیروهای خود را از منطقه خارج کرد و به نظام سوریه اجازه داد تا نیروهای فلسد را از مناطقی که پیش‌تر تصرف کرده بودند، بیرون راند و بدین‌سان، آمریکا از آنان دست کشید و روی‌های فلسد نقش بر آب شد.

بسیاری از کردها در شبکه‌های اجتماعی، این رخداد را «خیانت» توصیف کردند؛ کوبی ایالات متحده در قبال خدمت‌های که آنان ارائه داده‌اند، دارای ویژگی‌های اخلاقی و مسئولیتی استراتژیک نسبت به آن‌هاست!

در چینه ایران نیز، مصادقات میان ایران و آمریکا وارد پنجمین دهه خود شده است؛ اما حقیقت این روایت چیست؟ برای تبیین این موضوع، ناگزیر باید بر برخی ایستگاه‌ها در مسیر این رابطه درنگ کرد:

پیش از آنکه از حوادث عبور کنیم، شایسته است بر چگونگی پیدایش نظام ایران، بر اساس آنچه در بسیاری از اسناد فاش شده است، در اواسط سال ۲۰۱۶ میلادی آمده است. توقف کنیم.

در این اسناد ذکر شده است که به درخواست خمینی و پس از تهروری وی به همکاری با آمریکا، همان‌گونه که کشورهای وجود و طریق نیز برای آمریکا «ایرانت هابیز» (جانشین وقت فرماندهی کل نانو)، بر بی‌طرف ساختن فرماندهان ارشد ارتش ایران که وفادار به شاه بودند نظارت کرد. سپس بر خروج شاه و خانواده‌اش از ایران به تبعیدگاه در اواسط ژانویه ۱۹۷۹ نظارت نموده و در نهایت، فرانسوی‌ها را به خمینی برای عزیمت به تهران نشان داد؛ جایی که یک هواییان فرانسوی او را برای به دست‌گرفتن زمام قدرت در ایران منتقل کرد.

علاوه بر تضمین جریان نفت ایران به بازارهای جهانی، آمریکا به دو هدف استراتژیک دست‌یافت:

نخست: پس از استقرار خمینی در قدرت، وی از شر دو متحد اصلی خود در مخالفت با حکومت شاه، یعنی حزب کمونیست ایران (حزب توده) و سایر گروه‌های چپ‌گرا خلاص شد؛ به طوری که در سال ۱۹۸۳ فعالیت آن‌ها را ممنوع و رهبران آن‌ها را بازداشت کرد و کادرهای آنان در معرض کارزارهای اعدام و شکنجه قرار گرفتند. بدین ترتیب، او دور نگذاشتن ایران از اتحاد جماهیر شوروی را به‌ویژه با برافراشتن شعارهای اسلامی تضمین کرد.

دویم: تنها یک سال پس از به قدرت رسیدن خمینی، جنگ با عراق آغاز شد که رنگ مذهبی میان سنی و شیعه به خود گرفت و به کانون نبردی تمام‌عیار بدل گشت. این امر پس از آن رخ داد که آمریکا به ایران اجازه داد در عراق، سوریه، لبنان و یمن نفوذ یابد و بدین‌سان آمریکا تفرقه و تشتت بیشتر میان مسلمانان را تضمین نمود.

اما ایستگاه دوم در مسیر روایت، تفاهماتی بود که میان آمریکا و ایران پیرامون صورت گرفت. با روجع به آنچه در کتاب «زمانه خلیل‌زاد»، دیپلمات آمریکایی و فرستاده این کشور در عراق، با عنوان «سفر من در جهانی متلاطم» آمده است، وی ماهیت این رابطه را خلاصه کرده و ذکر می‌کند که محمدجواد طریف به او پیشنهاد داد که در صورت نقض تحریم هوایی ایران توسط هواییان آمریکا، ایران قویاً از تشکیل حکومتی متشکل از معارضین خود را بگیرد. در دیدارهای میان آنان پس از اشغال عراق نیز ادامه یافت.

با طی آن، آینده حکومت در عراق مورد بحث قرار گرفت و ایران قویاً از تشکیل حکومتی سوگند که باید امر به معروف و نهی از منکر ریشه‌کنی حزب بعث و بازسازی نیروهای امنیتی عراق از نو حمایت کرد که تمامی این موارد متفق‌گشت.

اما در ایستگاه افغانستان، کنفرانس بین‌نقطه اوج همکاری آمریکایی-ایرانی به شمار می‌رود؛ چنان‌که «ترتیا پارسی» در کتاب خود «از دست دادن یک دشمن: ابواما، ایران و

برگزاری نخستین نشست «شورای صلح» به ریاست ترامپ و

مشارکت بیش از ۴۵ کشور

استاد احمد الخطوانی

در تاریخ ۱۹ فوریه ۲۰۲۶ میلادی، ترامپ، رئیس‌جمهور کرده‌اند که عبارتند از: اندونزی، مراکش، قزاقستان، آمریکا، نخستین نشست «شورای صلح» را به ریاست خود کوزوو و آلبانی، وی توضیح داد که مسر و اردن مستعد به و با مشارکت هیئت‌هایی از بیش از ۴۵ کشور و حضور آموزش نیروهای پلیسی شده‌اند که در نوار غزه مستقر تعدادی از رهبران و نمایندگان کشورهای شرکت‌کننده، خواهد شد. جفرز تبیین کرد که نیروهای ثابت بین‌المللی

رهبری کرد. از میان روسای جمهور، «خاور میلی» استقرار خود را از منطقه رفح در جنوب غزه برای آموزش رئیس‌جمهور آرژانتین، «پراپو سوپاتو» رئیس‌جمهور پلیس آغاز کرده و سپس به تدریج در کل نوار غزه گسترش اندونزی و «شوکت میرضیایف» رئیس‌جمهور ازبکستان خواهد یافت. وی خاطرنشان کرد که برنامه بلندمدت شامل حضور داشتن. همچنین نخست‌وزیرانی چون «مصطفی بکارگیری ۲۰ هزار سرباز از نیروهای امنیتی بین‌المللی و مدبولی» نخست‌وزیر مس، «شهباز شریف» نخست‌وزیر آموزش ۱۲ هزار نیروی پلیس است.

پاکستان و «ویکتور اوربان» نخست‌وزیر مجارستان در این اما خطرناک‌ترین جنبه «شورای صلح» برای کشورهای جهان، نشست شرکت کردند. تعدادی از وزرای خارجه از جمله شمول چشم‌انداز آن فراتر از محدوده جغرافیایی غزه و «بدر عبدالعاطی» وزیر خارجه مصر، «هاکان فیدان» وزیر گسترش مأموریت‌های آن است؛ به‌گونه‌ای که برای اجرا خارجه ترکیه و «دکوعن ساعر» وزیر خارجه رژیم بیوز نیز در دیگر درگیری‌ها و منازعات جهان آماده باشد و تنها به به این نشست پیوستند.

از کشورهای اروپایی، ایتالیا، رومانی، یونان و قبرس و از این شورا به‌گونه‌ای طراحی شده است که نمایانگر تمامی کشورهای آسیایی، کره جنوبی و ژاپن به‌معنویان ناظر در این شکل‌های منطقه‌ای و بین‌المللی باشد؛ دارای ارتشی نشست حضور داشتند؛ همچنین نمایندگان از اتحادیه اروپا اجرایی است و برای آن مکانیزم رای‌گیری دموکراتیک و دیگر سازمان‌های بین‌المللی در این شورا حاضر شدند. شکل (ظاهری) وضع شده است. همچنین به تمامی کشورها روشن است که هدف از این مشارکت بین‌المللی و تلاش و تکلیف‌ها حق عضویت داده و از بودجه‌ای دائمی که توسط برای گسترش آن، تنها یک نمایش تبلیغاتی بوده و نه اعضا تأمین می‌شود. برخوردار است؛ بدین‌سان، این مشارکت واقعی در حل بحران.

ترامپ در سخنان افتتاحیه خود با افتخار درباره این بین‌المللی‌کنونی باشد. مشارکت گفت: «امروز روز بزرگی است؛ تعداد زیادی از حتی صفاً متناقض این شورا و شیوه نگارش آن‌ها به‌گونه‌ای رهبران در نشست‌های شورای صلح شرکت کرده‌اند. صلح کلی و عمومی تدوین شده است که به جغرافیای غزه محدود بسیار دشوار است؛ اما آن را محقق خواهیم کرد». وی با نماد، بلکه فراتر از آن، قابلیت اجرا در درگیری‌های سایر به زبان آوردن عباراتی فریبنده درباره صلح موهوم افزود: مناطقی را نیز داشته باشد.

«هیچ‌چیز مهم‌تر از تحقق صلح نیست و هزینه جنگ‌ها ترامپ خود را به‌معنویان رئیس دائمی این شورا منصوب کرد است؛ به طوری که منحصراً حق تأیید مصوبات صادره به مدعی شد که «بسیاری از رهبران جهان با پیوستن و حق دعوت از اعضا برای مشارکت در آن را داشت. این به شورای صلح موافقت کرده‌اند» و با فاش کردن عدم در این مسیر نه به نهادهای بین‌المللی موجود و نه به دیگر

قدرت‌های اصلی جهانی غیر از آمریکا توجهی کرده است. گفت: «رهبرانی هم هستند که ما تمایلی به مشارکت آن‌ها در واقع، این شورا به‌گونه‌ای طراحی شده که گویا جایگزینی نداریم. او ادعا کرد که این شورا «به خاطر صلح» بنا شده برای شورای امنیت و سازمان ملل متحد است؛ با ساختاری و آنان در این شورا «در کنار هم برای تضمین آینده‌ای بهتر نوین و نظام رای‌گیری جدید که مسیری کاملاً موازی با نظم برای مردم غزه، خاورمیانه و کل جهان تلاش می‌کنند». تمامی این شواهد نشان‌دهنده تمایل شدید اساس ادعای او، این شورا تنها مختص به غزه و خاورمیانه تأسیس این شورا با خروج آمریکا از ۶۶ سازمان بین‌المللی نیست، بلکه متعلق به تمام جهان است.

تعمود و سپس پردازش کرده است، فولانی است؛ برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد: «بعضی تهروری» که در پاسخ به درخواست آمریکا، یهودیان قتل‌کشی را بر رژیم یهود منتقل کرد، اما بااین‌حال آمریکا به نظام مسر اشاره کرد تا مانع بازگشت او از آمریکا به فرطوم شود تا آنکه حکومتش سقوط کرد. همچنین «عمر البیشر» که به فرماندهی آمریکا سوادین جنوبی را جدا کرد، و جز وده‌های روهینگی نصیبی نبرد تا آنکه نظامش فروپاشید و نیز «حسنی مبارک»، «بشار» مجاهدین افغانی که در کنار آمریکا جنگیدند و بسیاری دیگر... با وجود این تاریخ سیاه آمریکا، همچنان حاکمان مزدور و سیاست‌مداران منفعت‌طلب در سرزمین‌های اسلامی به طمع جلب رضایت آمریکا به او تقرب می‌جویند؛ سرنوشته پیشینیان مایه عبرت آنان گشته و نه این سخن الله سبحانه‌وتعالی: «اولن ترضی عنک الیهود و لنا الضمائر...» «هرگز یهود و نصاری از تو را ضعیف نخواهند شد...»

آیا برای ایران اینها بهتر نبود که به جای پناهمردن به آمریکا، به پروردگار آمریکا پناه ببرند؟ و به جای تثبیت تفرقه و تشتت پروردگاران را لیبک گویند: «إن هذیه أمتکم أمة واحدة وأنا ربکم» «همانا این امت شمامست، امتی یکگانه و من پروردگار شمایم». تا پرچم خود را تحت یک رهبری واحد یعنی خلافت راشد متحد سازند تا برایشان به جای خوری، عزت به امرخاند آورد؛ «آن العزة لله ولرسوله وللمؤمنین»، «همانا عزت از آن الله و رسول او و مؤمنان است». آیا زمان آن فرا نرسیده است که فرزندان این امت دست‌انگام خود را بگیرند و آنان را به حق وادارند و بر آن وادار سازند؟ چنان‌که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «هرگز، به به الله سبحانه‌وتعالی سوگند که باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و دست ظالم را بگیرید و او را به سوی حق بکشانید و بر حق استوارش دارید، وگرنه این سوره‌ها بر شما نازل می‌گردد». «چرا کینه و نفقاری می‌کنند» و سپس شما را لعنت می‌کند چنان‌که آنان را لعنت کرد». (روایت ابوداود و ترمذی).



تعمود و سپس پردازش کرده است، فولانی است؛ برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد: «بعضی تهروری» که در پاسخ به درخواست آمریکا، یهودیان قتل‌کشی را بر رژیم یهود منتقل کرد، اما بااین‌حال آمریکا به نظام مسر اشاره کرد تا مانع بازگشت او از آمریکا به فرطوم شود تا آنکه حکومتش سقوط کرد. همچنین «عمر البیشر» که به فرماندهی آمریکا سوادین جنوبی را جدا کرد، و جز وده‌های روهینگی نصیبی نبرد تا آنکه نظامش فروپاشید و نیز «حسنی مبارک»، «بشار» مجاهدین افغانی که در کنار آمریکا جنگیدند و بسیاری دیگر... با وجود این تاریخ سیاه آمریکا، همچنان حاکمان مزدور و سیاست‌مداران منفعت‌طلب در سرزمین‌های اسلامی به طمع جلب رضایت آمریکا به او تقرب می‌جویند؛ سرنوشته پیشینیان مایه عبرت آنان گشته و نه این سخن الله سبحانه‌وتعالی: «اولن ترضی عنک الیهود و لنا الضمائر...» «هرگز یهود و نصاری از تو را ضعیف نخواهند شد...»

آیا برای ایران اینها بهتر نبود که به جای پناهمردن به آمریکا، به پروردگار آمریکا پناه ببرند؟ و به جای تثبیت تفرقه و تشتت پروردگاران را لیبک گویند: «إن هذیه أمتکم أمة واحدة وأنا ربکم» «همانا این امت شمامست، امتی یکگانه و من پروردگار شمایم». تا پرچم خود را تحت یک رهبری واحد یعنی خلافت راشد متحد سازند تا برایشان به جای خوری، عزت به امرخاند آورد؛ «آن العزة لله ولرسوله وللمؤمنین»، «همانا عزت از آن الله و رسول او و مؤمنان است». آیا زمان آن فرا نرسیده است که فرزندان این امت دست‌انگام خود را بگیرند و آنان را به حق وادارند و بر آن وادار سازند؟ چنان‌که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «هرگز، به به الله سبحانه‌وتعالی سوگند که باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و دست ظالم را بگیرید و او را به سوی حق بکشانید و بر حق استوارش دارید، وگرنه این سوره‌ها بر شما نازل می‌گردد». «چرا کینه و نفقاری می‌کنند» و سپس شما را لعنت می‌کند چنان‌که آنان را لعنت کرد». (روایت ابوداود و ترمذی).

تعمود و سپس پردازش کرده است، فولانی است؛ برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد: «بعضی تهروری» که در پاسخ به درخواست آمریکا، یهودیان قتل‌کشی را بر رژیم یهود منتقل کرد، اما بااین‌حال آمریکا به نظام مسر اشاره کرد تا مانع بازگشت او از آمریکا به فرطوم شود تا آنکه حکومتش سقوط کرد. همچنین «عمر البیشر» که به فرماندهی آمریکا سوادین جنوبی را جدا کرد، و جز وده‌های روهینگی نصیبی نبرد تا آنکه نظامش فروپاشید و نیز «حسنی مبارک»، «بشار» مجاهدین افغانی که در کنار آمریکا جنگیدند و بسیاری دیگر... با وجود این تاریخ سیاه آمریکا، همچنان حاکمان مزدور و سیاست‌مداران منفعت‌طلب در سرزمین‌های اسلامی به طمع جلب رضایت آمریکا به او تقرب می‌جویند؛ سرنوشته پیشینیان مایه عبرت آنان گشته و نه این سخن الله سبحانه‌وتعالی: «اولن ترضی عنک الیهود و لنا الضمائر...» «هرگز یهود و نصاری از تو را ضعیف نخواهند شد...»

آیا برای ایران اینها بهتر نبود که به جای پناهمردن به آمریکا، به پروردگار آمریکا پناه ببرند؟ و به جای تثبیت تفرقه و تشتت پروردگاران را لیبک گویند: «إن هذیه أمتکم أمة واحدة وأنا ربکم» «همانا این امت شمامست، امتی یکگانه و من پروردگار شمایم». تا پرچم خود را تحت یک رهبری واحد یعنی خلافت راشد متحد سازند تا برایشان به جای خوری، عزت به امرخاند آورد؛ «آن العزة لله ولرسوله وللمؤمنین»، «همانا عزت از آن الله و رسول او و مؤمنان است». آیا زمان آن فرا نرسیده است که فرزندان این امت دست‌انگام خود را بگیرند و آنان را به حق وادارند و بر آن وادار سازند؟ چنان‌که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «هرگز، به به الله سبحانه‌وتعالی سوگند که باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و دست ظالم را بگیرید و او را به سوی حق بکشانید و بر حق استوارش دارید، وگرنه این سوره‌ها بر شما نازل می‌گردد». «چرا کینه و نفقاری می‌کنند» و سپس شما را لعنت می‌کند چنان‌که آنان را لعنت کرد». (روایت ابوداود و ترمذی).

تعمود و سپس پردازش کرده است، فولانی است؛ برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد: «بعضی تهروری» که در پاسخ به درخواست آمریکا، یهودیان قتل‌کشی را بر رژیم یهود منتقل کرد، اما بااین‌حال آمریکا به نظام مسر اشاره کرد تا مانع بازگشت او از آمریکا به فرطوم شود تا آنکه حکومتش سقوط کرد. همچنین «عمر البیشر» که به فرماندهی آمریکا سوادین جنوبی را جدا کرد، و جز وده‌های روهینگی نصیبی نبرد تا آنکه نظامش فروپاشید و نیز «حسنی مبارک»، «بشار» مجاهدین افغانی که در کنار آمریکا جنگیدند و بسیاری دیگر... با وجود این تاریخ سیاه آمریکا، همچنان حاکمان مزدور و سیاست‌مداران منفعت‌طلب در سرزمین‌های اسلامی به طمع جلب رضایت آمریکا به او تقرب می‌جویند؛ سرنوشته پیشینیان مایه عبرت آنان گشته و نه این سخن الله سبحانه‌وتعالی: «اولن ترضی عنک الیهود و لنا الضمائر...» «هرگز یهود و نصاری از تو را ضعیف نخواهند شد...»

آیا برای ایران اینها بهتر نبود که به جای پناهمردن به آمریکا، به پروردگار آمریکا پناه ببرند؟ و به جای تثبیت تفرقه و تشتت پروردگاران را لیبک گویند: «إن هذیه أمتکم أمة واحدة وأنا ربکم» «همانا این امت شمامست، امتی یکگانه و من پروردگار شمایم». تا پرچم خود را تحت یک رهبری واحد یعنی خلافت راشد متحد سازند تا برایشان به جای خوری، عزت به امرخاند آورد؛ «آن العزة لله ولرسوله وللمؤمنین»، «همانا عزت از آن الله و رسول او و مؤمنان است». آیا زمان آن فرا نرسیده است که فرزندان این امت دست‌انگام خود را بگیرند و آنان را به حق وادارند و بر آن وادار سازند؟ چنان‌که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «هرگز، به به الله سبحانه‌وتعالی سوگند که باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و دست ظالم را بگیرید و او را به سوی حق بکشانید و بر حق استوارش دارید، وگرنه این سوره‌ها بر شما نازل می‌گردد». «چرا کینه و نفقاری می‌کنند» و سپس شما را لعنت می‌کند چنان‌که آنان را لعنت کرد». (روایت ابوداود و ترمذی).

تعمود و سپس پردازش کرده است، فولانی است؛ برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد: «بعضی تهروری» که در پاسخ به درخواست آمریکا، یهودیان قتل‌کشی را بر رژیم یهود منتقل کرد، اما بااین‌حال آمریکا به نظام مسر اشاره کرد تا مانع بازگشت او از آمریکا به فرطوم شود تا آنکه حکومتش سقوط کرد. همچنین «عمر البیشر» که به فرماندهی آمریکا سوادین جنوبی را جدا کرد، و جز وده‌های روهینگی نصیبی نبرد تا آنکه نظامش فروپاشید و نیز «حسنی مبارک»، «بشار» مجاهدین افغانی که در کنار آمریکا جنگیدند و بسیاری دیگر... با وجود این تاریخ سیاه آمریکا، همچنان حاکمان مزدور و سیاست‌مداران منفعت‌طلب در سرزمین‌های اسلامی به طمع جلب رضایت آمریکا به او تقرب می‌جویند؛ سرنوشته پیشینیان مایه عبرت آنان گشته و نه این سخن الله سبحانه‌وتعالی: «اولن ترضی عنک الیهود و لنا الضمائر...» «هرگز یهود و نصاری از تو را ضعیف نخواهند شد...»

آیا برای ایران اینها بهتر نبود که به جای پناهمردن به آمریکا، به پروردگار آمریکا پناه ببرند؟ و به جای تثبیت تفرقه و تشتت پروردگاران را لیبک گویند: «إن هذیه أمتکم أمة واحدة وأنا ربکم» «همانا این امت شمامست، امتی یکگانه و من پروردگار شمایم». تا پرچم خود را تحت یک رهبری واحد یعنی خلافت راشد متحد سازند تا برایشان به جای خوری، عزت به امرخاند آورد؛ «آن العزة لله ولرسوله وللمؤمنین»، «همانا عزت از آن الله و رسول او و مؤمنان است». آیا زمان آن فرا نرسیده است که فرزندان این امت دست‌انگام خود را بگیرند و آنان را به حق وادارند و بر آن وادار سازند؟ چنان‌که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «هرگز، به به الله سبحانه‌وتعالی سوگند که باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و دست ظالم را بگیرید و او را به سوی حق بکشانید و بر حق استوارش دارید، وگرنه این سوره‌ها بر شما نازل می‌گردد». «چرا کینه و نفقاری می‌کنند» و سپس شما را لعنت می‌کند چنان‌که آنان را لعنت کرد». (روایت ابوداود و ترمذی).

تعمود و سپس پردازش کرده است، فولانی است؛ برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد: «بعضی تهروری» که در پاسخ به درخواست آمریکا، یهودیان قتل‌کشی را بر رژیم یهود منتقل کرد، اما بااین‌حال آمریکا به نظام مسر اشاره کرد تا مانع بازگشت او از آمریکا به فرطوم شود تا آنکه حکومتش سقوط کرد. همچنین «عمر البیشر» که به فرماندهی آمریکا سوادین جنوبی را جدا کرد، و جز وده‌های روهینگی نصیبی نبرد تا آنکه نظامش فروپاشید و نیز «حسنی مبارک»، «بشار» مجاهدین افغانی که در کنار آمریکا جنگیدند و بسیاری دیگر... با وجود این تاریخ سیاه آمریکا، همچنان حاکمان مزدور و سیاست‌مداران منفعت‌طلب در سرزمین‌های اسلامی به طمع جلب رضایت آمریکا به او تقرب می‌جویند؛ سرنوشته پیشینیان مایه عبرت آنان گشته و نه این سخن الله سبحانه‌وتعالی: «اولن ترضی عنک الیهود و لنا الضمائر...» «هرگز یهود و نصاری از تو را ضعیف نخواهند شد...»

آیا برای ایران اینها بهتر نبود که به جای پناهمردن به آمریکا، به پروردگار آمریکا پناه ببرند؟ و به جای تثبیت تفرقه و تشتت پروردگاران را لیبک گویند: «إن هذیه أمتکم أمة واحدة وأنا ربکم» «همانا این امت شمامست، امتی یکگانه و من پروردگار شمایم». تا پرچم خود را تحت یک رهبری واحد یعنی خلافت راشد متحد سازند تا برایشان به جای خوری، عزت به امرخاند آورد؛ «آن العزة لله ولرسوله وللمؤمنین»، «همانا عزت از آن الله و رسول او و مؤمنان است». آیا زمان آن فرا نرسیده است که فرزندان این امت دست‌انگام خود را بگیرند و آنان را به حق وادارند و بر آن وادار سازند؟ چنان‌که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «هرگز، به به الله سبحانه‌وتعالی سوگند که باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و دست ظالم را بگیرید و او را به سوی حق بکشانید و بر حق استوارش دارید، وگرنه این سوره‌ها بر شما نازل می‌گردد». «چرا کینه و نفقاری می‌کنند» و سپس شما را لعنت می‌کند چنان‌که آنان را لعنت کرد». (روایت ابوداود و ترمذی).

دستگاه‌های امنیتی لبنان همچنان به شوه‌های آدم‌ربایی علیه مردم متوسل می‌شوند!

عناصر دستگاه اطلاعات ارتش لبنان، در روز جمعه ۲۰۲۶/۲/۲۴ حوالی ساعت یک بعدازظهر در بیروت، بدون هیچ‌گونه توجیه قانونی و بدون هیچ حکم قضایی و با نادیده‌گرفتن ابتدایی‌ترین حقوق و کرامت انسانی، اقدام به ربودن دو تن از جوانان قزاقی در لبنان کردند؛ آن هم به بهانه توزیع بیابن‌های دربار افزایش مالیات بر بنزین و بالابرند مالیات بر ارزش افزوده (TVA).

در همین راستا، دفتر رسانه‌ای حزب‌التحریر در ولایت لبنان در بیانیه‌ای مطبوعاتی اعلام کرد: «با وجود آنکه این دو تن پس از نیمه‌شب آزاد شدند، اما باید بر این نکته فراتر تأملی جدی صورت گیرد. درحالی‌که اصل بر این است که دستگاه‌های امنیتی برای حمایت از مردم و نه ایجاد رعب و وحشت یا ربودن آنان پدید آمده‌اند، این دستگاه‌ها همچنان منبعی برای تلاش جهت ترساندن مردم و سرکوب صدای حق هستند که بیانگر بحران‌های آنان است و بدین‌سان، سلب آزادی و نبود امنیت را یکجا بر مردم تحمیل کرده‌اند.»

در ادامه این بیانیه آمده است: «آنچه حزب‌التحریر در ولایت لبنان در این بیانیه و در تمامی بیانیه‌های خود، بیان کرده، یک موضوع عمومی از مسائل مردم در این کشور است که شامل کارمندان دولت و دستگاه‌های امنیتی نیز می‌شود؛ آیا نخواهد این مالیات‌ها و ظانم‌ها و این بازی با معیشت مردم، بدون هیچ نظر و بازخواستی تصویب شود؟ اگر دولت به سکوت مردم به دلیل ناامیدی‌شان از تغییر ریشه‌ای عادت کرده است، بدین معناست که صاحبان سخن و اندیشه نیز باید در برابر این حقوق سکوت کنند؛ این هرگز اتفاق نخواهد افتاد تا آنکه الله سبحانه‌وتعالی میان ما به حق داوری فرماید.»

تمدنی که فریادهای دختران کوچک را زیر پاهای مال و ثروت خفه می‌کند و تمدنی که لشکری را برای فریاد یک زن به حرکت درمی‌آورد

استاد رولا ابراهیم

قصیه «ایستین» یک جنایت اخلاقی منزوی و یا یک انحراف چپا که اسلام با کرامت نه بمعنویان یک شعار، بلکه بمعنویان یک فردی در ساختاری سالم نیست، بلکه رسوایی صریح ماهیت تعهد سیاسی و شرعی برخورد میکند. نظام سرمایه‌داری از آن جهت است که این نظام، روش زندگی قانسی را در ریشه و اساس دارد. این ماجرا نه سقوط در مرجعیت است. در همان حالت کن زن اروپایی به جرم اشخاص، بلکه سقوط منظومه وایدنولوژی را فاش میکند که اندیشیدن معاکمه می‌شد، زن مسلمان می‌آموخت، آموزش برای آن بر جدایی ارزش‌ها از عقیده، معمار قرار دادن منفعت دانشگاه «القریبین» به دست فاضله القروریه بنیان نهاده شد و شهورات استوار گشته است؛ منظومه‌ای که انسان را به جای آنکه بنده الله سبحانه‌وتعالی باشد، قانون‌گذار خویش ساخته است. هنگامی که در قلب آنچه «جهان تمدن» امیبه می‌شود، به انسان را بنده الله سبحانه‌وتعالی و به واسطه انسانیتش تکریم سات کودکی تعدی می‌گردد و سپس پرورندها در آستانه برخورد با مراکز ثروت و قدرت بسته می‌شوند، و یک فرد بمعنویان قربانی این محافت و اختار حاکم مردم می‌گردد. فکری جهانی و نظاممند است تا زن مسلمان را از مرجعیت ما نه یک خلل در اجرا، بلکه با بحران در میدا و قانونگذاری روبه‌رو هستیم. نظام سرمایه‌داری که بر پایه منفعت و نه حق بنا شده است، هرچا که در حمایت کند مگر تا آنچه‌ای که در تولید می‌کند و هر گاه که جنایت ادامه بقای نظام را تهدید کند، تاویندسازی و فنیسیسم؛ تصویر شده است، درحالی‌که حقیقت، ادغام اجباری در منظومه‌ای منفعت‌محور است که

ارزش انسان را به میزان سودمندی‌اش برای نظام تقلیل برای عدالت ندارد؛ چرا که حاکمیت را از وحی سلب نموده و می‌سازد، نه معیار کرامت و احکام شرعی. امروز و پس از آنکه تمدن غرب خود را رسوا کرده است، به فینیسیت‌ها و انجمن‌های حقوقی که صادرکننده تفکر غربی هستند می‌گویم: فریب و دروغ شما بر ما گشت؛ فریادهای دخترکان در راه‌روهای غرب و زنان قربانی شما در رسوایی‌های انسانی نیست؛ بلکه نوعی بکارگیری ابزاری است، و آنچه «حقوق کودک» خوانده می‌شود، نه یک امر مقدس بلکه ابزاری از منظومه‌ای هستند که از جنایت، ثروت و قدرت محافظت می‌کند و برابریان، آنچه «حقوق زن» نامیده می‌شود، تکریم مگر تا زمانی که خارج از محاسبات سودجویانه قدرت و ثروت دخترکان در راه‌روهای غرب و زنان قربانی شما در رسوایی‌های انسانی نیست؛ بلکه نوعی بکارگیری ابزاری است، و آنچه «حقوق کودک» خوانده می‌شود، نه یک امر مقدس بلکه ابزاری از منظومه‌ای هستند که از جنایت، ثروت و قدرت محافظت می‌کند و برابریان، آنچه «حقوق زن» نامیده می‌شود، تکریم اما زن مسلمان عقیف و بزرگوار، همان کسی است که فساد شما را آتشکار و استانداردهای دوگانه‌تان را رسوا می‌کند و این حقیقت را در برابر‌تان می‌نهد که تمدن، زن را کالا یا شعار قرار نمی‌دهد، بلکه کرامت او حکمی شرعی است که دولت با قدرت

نمی‌گردد، بلکه روایتگری باولیت‌یافته شده و بحران به صورت رسوایی مدیریت می‌شود تا نظام سرمایه‌داری از پاسخگویی در امان بماند و فساد در موارد فردی خالصه شود؛ حال آنکه جنایت در اینجا، محصول طبیعی یک ساختار فکری منحرف است. شرایط این انحطاط تمدنی، اسلام نامیده می‌شود، تکریم متفاوت ارانه می‌دهد، نه تنها در سطح اخلاقی انجمنی بلکه در سطح نظام و حاکمیت. در حادثه «مورویه» به سال ۲۳۴ هجری، مسطح که یکی از نمایندگان مسلمانان سر داد، او نه صاحب نفوذ بود و نه یک بزر ابرار قشار؛ بلکه انسانی بود در سایه دولتی که کرامت را یک حکم شرعی و واجب‌العماه قرار داده بود. خلیفه درک کرد که قدرت، امانت است و او در پیشگاه الله سبحانه‌وتعالی در برابر رعیت خویش مسئول است، نه در برابر منالظفات سیاسی یا منفعت‌گرایانه. پس نه کمینه‌های تشکیل شد و نه قصیه به مدیریت رسانه‌ای سپرده شد، بلکه دولت با تمام قدرت خویش برای بازگرداندن ترازوی حق به حرکت درآمد؛ آمده است.

بیانیه‌های انتخاباتی در انتخابات بنگلادش؛ راهشکری با نمایشی و فاقد حل حقیقی

بنازگی «حزب ملی بنگلادش» و «حزب جماعت اسلامی بنگلادش» بیانیه‌های انتخاباتی تفصیلی خود را منتشر کرده‌اند. این دو حزب، علیرغم تفاوت در برخی جنبه‌ها، هر دو دیدگاهی را برای دولت ارائه می‌دهند که برگرفته از الگوی سرمایه‌داری غربی است. بیانیه حزب ملی با عنوان «بنگلادش؛ پیش از هر چیز»، بر طریی برای بنای دولتی با اقتصاد دموکراتیک تمرکز دارد و می‌کوشد بنگلادش را تا سال ۲۰۳۴ میلادی به کشوری با درآمد بالاتر از متوسط و اقتصادی به حجم یک تریلیون دلار تبدیل کند. اما بیانیه جماعت اسلامی با عنوان «بیانیه بنگلادش امن و انسانی»، مباحث خواهران برپایی دولتی شفاف و پاسخگو است که بر عدالت، اصلاحات نهادی و حمایت‌های اجتماعی تمرکز دارد. در همین راستا، دختر رسانه‌ای حزب‌التحریر در ولایت بنگلادش در بیانیه‌ای مطبوعاتی اعلام کرد: ما به روشنی اعلام می‌کنیم که این بیانیه‌ها چیزی جز وعده‌های شکلی و سخنرانی‌های توخالی ارانه نمی‌دهند و در جوهر خود از تحقق آزادی حقیقی و توسعه حاکمیتی بی‌نیوازند؛ چرا که این برنامه‌ها در به چالش کشیدن سازوکارهای بنیادین استثمار استثمار نوبن نظیر دستورات صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی پیرامون کاهش حمایت از کشاورزی، خصوصی‌سازی و سیاست‌های زیر اثرنگر منابع پوهی کاملاً شکست خورده‌اند. درحالی‌که این احزاب برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و بازارهای آزاد تبلیغ می‌کنند، در واقع دارای‌های ملی همچون بخش انرژی را به نفع شرکت‌هایی چون «شورون» و «اکسون موبیل» و بنادر استراتژیک را به نفع بخش خصوصی اگذار می‌نمایند که این امر مداوم وابستگی اقتصادی را تضمین می‌کند. در نهایت، تا زمانی که تعهدی واقعی برای برپیدن این نظام سرمایه‌داری استثمارگر و رذل الگوی «توسعه قطره‌چکانی» (که ثروت عمومی را غارت می‌کند) وجود نداشته باشد، این بیانیه‌ها جایگزینی حقیقی برای فساد و ستم حاکمیتی نخواهند بود. راه آزادی واقعی را بسته است، نخواهند بود.

در ادامه این بیانیه آمده است: مردم باید درک کنند که حتی با تغییر حاکم سیاسی، نظام سرورگیک سرمایه‌داری همچنان به عامه مردم آسیب خواهد زد تا عده انگشت‌شماره‌ای از نخبگان و متحدان استثمارگرشان را نروتمند سازد. ازاین‌رو، هر وعده‌ای که این نظام را از ریشه ریزد، چیزی جز یک تغییر نمایشی نیست که نمی‌تواند به آزادی حقیقی منجر شود؛ لذا ما تمامی مردم را فرامی‌خوانیم تا در تلاش برای برپایی خلافت بر منبج نبوت متحد شوند؛ چرا که این تنها نظامی است که می‌تواند عدالت را تضمین کرده، بسنتر صنعتی‌سازی خودکفا را فراهم آورد و کرامت امت را، همان‌گونه که الله سبحانه‌وتعالی وعده داده است، بازگرداند.

ادامه : تریک عالم والامقام، عطا بن خلیل ابوالرشته...

جدایی دین از سیاست شود، مرتکب گناهی عظیم و جنایتی بزرگ گردد، «سپس دوران حکومت جبری خواهد بود و تا زمانی که الله گشته است که مباحثی را به خواری در دنیا و عذاب دردناک در آخرت را برمی‌چیند؛ آن‌گاه خلافتی بر منبج نبوت برپا خواهد شد. سپس می‌کشاند.

ای مسلمانان: من در این روزها تمامی این حقایق را به شما یادآور می‌شوم، روزهایی که در آن تجاوز و خشبانه یهود به کرانه باختری و غزه همچنان ادامه دارد و سپس این تجاوزات به لبنان و سوریه گسترش‌یافته است... یهود در سرزمین‌های مسلمانان جولان می‌دهد

بدون آنکه با مابعی برخورد کند که او را به عقب براند. اما حاکمان. در جای آنکه ارزش‌های مسلمانان را برای نبرد با رژیم یهود به حرکت درآورند؛ نبردی که ماهه عبرت آیندگان آنان گشته و سرزمین مبارک را آزاد نماید، می‌بینیم که یکی پس از دیگری با او پیمان می‌بندند؛ بلکه «تراپم» فینانگر آنان را برای خوار ساختنشان گرد هم می‌آورد و آنان از الله سبحانه‌وتعالی و رسولش صلی‌الله‌علیه‌وآلوه‌وسلم و از مؤمنان شرم نمی‌کنند!

ای مسلمانان: مهانا نبردا با یهود، کشتن آنان و نابودی رژیمشان؛ پس از این دوران حکومت جبری و حاکمان مزدور، به رهبری خلیفهای راشد و مجاهد حتماً فرا خواهد رسید. مزده رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآلوه‌وسلم و اهل‌بیت و ائمه اطهار (ع) را برپا دارد. در این الله سبحانه‌وتعالی به تأخیر نخواهد افتاد، تا آنچه احمد در حدیثی از رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآلوه‌وسلم روایت کرده است محقق

براشد؛ همان‌گونه که باید بر روزگرفتن حریص باشیم تا الله سبحانه‌وتعالی از ما راضی گردد و گناهان گذشته ما را ببامزد، باید در کار و تلاش برای ازسرگیری زندگی اسلامی از طریق برپایی خلافت راشدین جزئی نباشیم؛ تا با اجرای احکام الله سبحانه‌وتعالی و در پناه آنکه ما را از سرزمین مبارک را آزاد نماید، می‌بینیم که یکی پس از دیگری با او پیمان می‌بندند؛ بلکه «تراپم» فینانگر آنان را برای خوار ساختنشان گرد هم می‌آورد و آنان از الله سبحانه‌وتعالی و رسولش صلی‌الله‌علیه‌وآلوه‌وسلم و از مؤمنان شرم نمی‌کنند!

ای مسلمانان: مهانا نبردا با یهود، کشتن آنان و نابودی رژیمشان؛ پس از این دوران حکومت جبری و حاکمان مزدور، به رهبری خلیفهای راشد و مجاهد حتماً فرا خواهد رسید. مزده رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآلوه‌وسلم و اهل‌بیت و ائمه اطهار (ع) را برپا دارد. در این الله سبحانه‌وتعالی به تأخیر نخواهد افتاد، تا آنچه احمد در حدیثی از رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآلوه‌وسلم روایت کرده است محقق

ادامه: رمضان؛ محراب عبادت و میدان نبرد

الحمدلله اسلام در جان‌ها زنده است و رغبت و تلاش برای طاعت الله

سبحانه‌وتعالی در میان بسیاری وجود دارد. آنان به امور مختلف، در خدمت به فقیالی اعمال و عبادات و بسن مهمون قربان و حفا قرآن گرفته‌تا مبارزه با بدعت، دعوت به اخلاق و یاری مردم و دیگر ارزش‌ها و ممالمت، چه به صورت فردی و چه جمعی، اهتمام می‌ورزند. ایشان چنین می‌پندارند که با این کارها وظیفه خود را انجام داده و ذمه خویشان را در پیشگاه الله سبحانه‌وتعالی بری کرده‌اند و در فرآیند تغییر و افامه جامعه اسلامی، وظیفه‌ای جز آنچه انجام می‌دهند بر عهده ندارند. درست است که آنچه ذکر شد شرعاً مطلوب است و پاداش دارد، اما جایگزین «فرض تلاش برای افامه دین» نمی‌شود؛ بلکه هر کس برای افامه حکم الله سبحانه‌وتعالی در زمین به روش شرعی تلاش نکند، مقصر محسوب می‌گردد.

در رمضان، این ماهی که الله سبحانه‌وتعالی آن را دوست داشته و درهای خیر را در آن بر مسلمانان گشوده و شیاطین را به بند کشیده و پاداش آن را در آن دوجندان ساخته است، هر مسلمانان واجب است که طاعتشان را به آن اختصاص دهد (روزه، نماز، صدقه و غیره) محدود نگردد؛ بلکه باید همانند صدایه و تابعین، فرایض را در کنار یکدیگر به جای آورند تا عبادت و طاعت برای الله سبحانه‌وتعالی کامل گشته و اجرشان مضاعف شود. ازاین‌رو، آنان باید ارزش طاعت «دعوت و تلاش برای افامه حکم و شریعت الله سبحانه‌وتعالی» را به دیگر طاعات خود ضمیمه کنند؛ طاعتی که از خاصترین و محبوبترین طاعات نزد الله سبحانه‌وتعالی است؛ طاعتی که تمامی دیگر طاعت با آن بپردار می‌شوند و گناهان به واسطه آن بازداشته می‌گردند؛ طاعتی که حافظ مسلمانان و کیان آنان است و با آن ستم و می‌توانیم کامل‌الله سبحانه‌وتعالی را اعنا بخشیده، امر او را آشکار سازیم و خیر اسلام را در تمامی زمین و همه بشریت برسانیم. این ماه طاعتی است که الله سبحانه‌وتعالی به واسطه آن، شرف یهود، آمریکا و تمامی قدرت‌های کفر را از پای می‌دارد؛ طاعتی که برای اهل و غیر اهل مشاهده

واجب شرعی و عقلی بر شماسه، تان فرزندان امت اسلامی!

حاکمان مزدور مسلمان و مزدورانشان از میان وزیران، نمایندگان و فرستادگان، چنان با خواری و ذلت خو گرفته و بدان معتاد گشته‌اند که این پستی بخشی از وجودشان شده است؛ آنان هر ذره‌ای از شرم و حیا را از کف داده‌اند؛ تا ترامپ به آنان فرمان می‌دهد و آنان شتابان اجابت می‌کنند. ایشان از رژیم یهود محافظت نموده و آن را پاس می‌دارند و دست او را باز می‌گذارند تا در سرزمین مبارک هر چه می‌خواهد انجام دهد؛ حیرم هوایی خود را به روی چنگنده‌ها و موشک‌های او می‌کشایند تا در سرزمین‌های مسلمانان جولان داده، حرم‌ها را هک کنند و خون آنان را در لبنان، سوریه، یمن و ایران بر زمین بریزند.

ای مسلمانان! این حاکمان فرامیاه تا به قی به فروختن شما به دشمنانند و کوتاهی در قبول مسائل و آرمان‌هایتان ادامه خواهند داد؛ تا نگی می‌خواهد در چپرگی دولتهای استعمارگر بر شما و سرزمین‌هایتان پیش روند؟ درحالی‌که شما با نگر بر دریاها و گذرگاه‌های آبی که الله سبحانه‌وتعالی به شما ارزانی داشته است، می‌توانید گولگاه آنان را بشمارید و با نگر‌توهای که الله سبحانه‌وتعالی به شما بخشیده، می‌توانید راه‌های حیات را بر آنان ببندید؛ آیا این دولته‌ها بدون حضور این نابخردان، هرگز توان تسلط بر سرزمین‌های شما را داشتند؟

ای فرزندان امت اسلامی و ای مساجیان قدرت و شوکت، واجب شرعی و عقلی بر شما این است که امر خود را استوار کرده و تصمیم سروسنست‌ساز خویش را اتخاذ ننمایید؛ با برکنردن این حاکمان خانن و نظام‌هایشان، و برگزیدن خلیفهای واحد که با کتب‌الله سبحانه‌وتعالی و سنت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآلوه‌وسلم بر همه حکم شما براند. این حزب‌التحریر است. همان پیشروی که به اهل خود دروغ نمی‌گوید که در میان شما و از خود شماسه؛ پس بمسوی همکاری و نصرت آن برای برپایی دوامین خلافت راشد بر منبج نبوت بشتابید؛ خلافتی که شما را از این ذلت رهایی خواهد بخشید.

هنگامی که سرپرست غایب باشد و دولت تنها باج‌گیر باشد، مردم در منجلاب مرگ می‌افتند!

استاد ابراهیم عثمان (بوخیل)، سخنگوی رسمی حزب‌التحریر در ولایت سودان، در بیانیه‌ای مطبوعاتی اعلام کرد: اخبار حاکی از آن است که در روز شنبه ۱۴/۲/۲۰۲۴، دوازده تن در پی غرق‌شدن قایقی که آنان را از منطقه «المورفی» منتقل می‌کرد، در نیل سفید در منطقه همدون (الزبائی) جان باختند.

مجموع این بی‌گناهان ششصد و ۲۶/۲۰۲۴ تن، تن هنگام عبور از رود نیل با قایقی که میان «طیبه الغواص» و «حمیم القرای» در استان نیل در حرکت بود، غرق شده و جان خود را از دست دادند.

استاد ابوخیل افزود: نکته شهود در این موضوع آن است که هر دو حادثه به دلیل «شود سرپرستی» رخ داده است و تصمیم‌گیری سرپرستی، چرا که این بی‌گناهان حوادث همواره در مناطق متعددی از سودان تکرار می‌شوند و علت همه آن‌ها یکی است؛ اینکه دولت به نفع خود در فراهم‌کردن شاورهای ایمن برای عبور و مرور عمل نمی‌کند و به واجب شرعی خود در سرپرستی امور مردم پایبند نیست. زیرا دولت کنونی در سودان، نه دولت «رعایت و سرپرستی»، بلکه دولت «کلیج‌گریز» است؛ برای او تفاوتی نمی‌کند که مردم از غرق‌شدن، گرسنگی، بیماری و یا در چنگی ساختگی بمیرند، بلکه آنچه اهمیت دارد، چنانکه وزیر دارایی نیز صراحتاً به آن اذعان نموده است، افزون بر این، حکومت با کسانی که برای ایجاد دولت سرپرستی، یعنی دولت اسلام (خلافت راشد بر منبج نبوت) تلاش می‌کند، مبارزه می‌کند؛ برای جوانان حزب‌التحریر در شهر «الالبیض» پرونده‌های فرفرانه تشکیل داده. آنان را به زندان می‌افکند و حتی حق ضمانت از آنان سلب می‌کند تا به مدت نزدیک به یک ماه، تا روز حاکمه در بگمشه ۲۶/۲/۲۰۲۴، در زندان جبرات شوند.

ابوخیل گفت: اما ما در حزب‌التحریر ولایت سودان، نه از زنداها هراسی داریم و نه منجنامه‌ها ما را می‌ترسانند؛ چرا که ما در حالی انجام فرضی عظیم هستیم که بسیاری از آن بازمانده‌اند، علیرغم هشدار رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآلوه‌وسلم درباره «حکرت جاهلی» بر این مس که از این فرض کوتاهی کند؛ آنچه که می‌فرماید: «و هر کس بعبرد درحالی‌که بیعتی بر گردن نداشته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است.» ای اهل سودان! بشتابید بمسوی همکاری از حزب‌التحریر برای برپایی خلافت؛ فرضی از جانب پروردگارتان، عیانه عزت شما و سرپرست امور شما که رضایت پروردگارتان در آن نهفته است.

کنفرانس وحدت گفتمان اسلامی؛ تحت عنوان اعتدال و میانه‌روی استاد احمد المورانی

فعالیت‌های نخستین کنفرانس وزارت اوقاف با عنوان «وحدت گفتمان اسلامی» در روز یکشنبه ۲۶/۲/۱۵م۴ در کاخ اجلاس‌های دمشق، تحت نظارت ریاست دولت و مجلس اعلای افتاء، و با حضور شخصیت‌های رسمی و دینی از میان علما و مبلغان مکاتب مختلف علمی و تبلیغی استان‌های سوریه آغاز شد. این کنفرانس با مجموعه‌ای از دستاوردها که در قالب یک میثاق نهایی تنظیم شده بود به کار خود پایان داد. رسانه‌ها، از جمله گزارش‌ری رسمی‌سانا، بر اصل ششم تمرکز کرده و تأکید و روزیدگی که هدف این کنفرانس، یکسان‌سازی گفتمان دینی بر پایه روش اعتدال و میانه‌روی است.
طرح ایده یکسان‌سازی گفتمان دینی بر اساس اعتدال و میانه‌روی، تعبیری دیگر از ایده «سوزاری گفتمان دینی» است، همان چیزی که کشورهای عربی می‌گویند در تقابل با گفتمانی که آن را افراطی، تندرو و انحصارگرا می‌نامند، بر ما تحصیل کنند. در اصل ششم از میثاق این کنفرانس چنین آمده است: اعتدال و میانه‌روی، روشی امیل در اسلام و معیاری است که هر گفتمان اسلامی را که از این تنظیم می‌شود تا از افراط و تفریط دور بماند.
الله سبحانه‌وتعالی می‌فرماید: «وَكَلَّمَ جِبَلًاكُم اُمَّةً وَسَطًا» و«بدین‌گونه شما را امتی میانه (مزدکوه و عادل) قرار دادیم».

بنابراین، پژوهش‌مند کردن گفتمان دینی است؛ یعنی تنظیم احکام شرعی و فتوا بر اساس این پایه ادعایی، تا جهت‌دهنده به هر نوع گفتمان دینی باشد و در مقابل برداشت‌های دیگری قرار گیرد که ممکن است بسبب‌سوی افراط یا تفریطه گرایش داشته باشند. اما مقصود از این آیه کریمه چیست؟ آیا حقیقتاً بر روش «اعتدال و میانه‌روی» (به معنای مفاصل آن) دلالت دارد یا بر معنای دیگری؟

حافظ ابن‌کثیر می‌گوید: «و سخن الله سبحانه‌وتعالی که می‌فرماید: «وَكَلَّمَ جِبَلًاكُم اُمَّةً وَسَطًا تَنكُونُوا شُهَدًا: علی النَّاسِ وَكُونَ الرَّسُولَ عَلَیْكُمْ شَهِیدًا»، «یکمان شما را ملت وسط کرده‌ایم تا گواهی‌ها بر مردم و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآلهم‌وسلم نیز بر شما گواه باشد؛» الله سبحانه‌وتعالی معیاری است ما شما را بمسوی قیله ابراهیم علیه‌السلام برگردانید و آن را برایتان برگزیدیم تا شما را بهترین استماع قرار دهیم، تا در روز قیامت بر دیگر استماع‌ها گواه باشید؛ چرا که همگان به برتری شما متعرفاند. وسط در اینجا به معنای برگزیده و نیکوترین است، چنان‌که گفته می‌شود: قریش اوسط (شریف‌ترین) عرب از نظر نسب و جایگاه است، یعنی بهترین آن‌ها و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآلهم‌وسلم در میان قوم خود وسط بود، یعنی عالی‌ترین‌ترین آن‌ها از نظر نسب. از همین دست است ملأه وسطی که برترین نمازها یعنی نماز عصر است، چنان‌که در مساجد و غیر آن در نبود ثابت شده است و چون الله سبحانه‌وتعالی امت را وسط قرار داد، کامل‌ترین شریعت‌ها، استوارترین روش‌ها و روشن‌ترین مذهب‌ها را کند. برگزیدگی‌شان را به جمعیت مجدل سازد. مستضعفان‌شان را یاری دهد. با آنان اختصاص داد؛ همان‌گونه که الله سبحانه‌وتعالی می‌فرماید: «وَأَوْفُوا عَی فی الله حقَّ عهدیه وَ اَتُوا جِبَلًاكُم فی الذِّین فرقه، سرگردانی و وابستگی به شرق و غرب، عزت و کرامت زندگی من حرج نلَهْ اَیْکُم اِبْرَاهِیمَ وَ سَوَّكُمُ الْمَسْلِینَ من قبل وَفی هَذَا را به آنان بازگرداند.

تاریخ بر شما گواهی می‌دهد و آینده در انتظار شماست

امت اسلامی بسیاری از عناصر قدرت خویش را از دست داده است و این نه به سبب کمی شمار یا کسری تجهیزات، بلکه بدان جهت است که از میراث تمدنی خویش گسسته است؛ همان میراثی که عدالت را بنیان سیاست و کرامت را شرف به رسمیت شناختن قرار می‌دهد.
پایه‌ای این میراث، نه از کاخ‌ها آغاز می‌شود و نه از بی‌بیمبهای محکومیت، بلکه از بازسازی آگاهی در امت آغاز می‌گردد؛ تا آنجا که درک کند قدرت و عزت‌ش در دولت و دین اوست و شکوه جز در دولت اسلام محقق نمی‌شود.
امت باید بداند که کرامت بخشیدنی نیست، بلکه ستاندنی است و هر کس از حق خویش در اتخاذ موضع کوتاه بیاید، در آینده از حق خویش بر سرزمینش نیز کوتاه خواهد آمد.
لکنون زمان آن فرارسیده است که امت اسلامی اعتماد به نفس خویش را بازیابد و به جایگاه «گواه» بازگردد، نه «پیررو» و به مقام «صاحب آریان» رجوع کند، نه «مناشاپی».

ای فرزندان امت اسلامی، عزت شما هرگز در وابستگی یا تقلید از دیگران نبوده است، بلکه در عقیده‌ای بوده که پیش از «سلطان»، «انسان» را ساخت و پیش از «آبادانی»، «دولت» را بنا نهاد.
جایگاه شما با وجود آنکه رسوالمصلی‌الله‌علیه‌وآلهم‌وسلم در آن را به این کار فرمان داده بود. از عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنهما روایت شده است که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآلهم‌وسلم فرمودند: «مسلمان برادر مسلمان است؛ به او ستم می‌کند و او را در برابر دشمن تنها نمی‌گذارد. هر کس در پی رفع نیاز برادرش باشد، الله سبحانه‌وتعالی در پی رفع نیاز او خواهد بود و هر کس اندوهی از مسلمانان بزراید، الله سبحانه‌وتعالی اندوهی از اندوه‌های روز قیامت را از او می‌زداید و هر کس بی‌بیمبستی را ببوشاند، الله سبحانه‌وتعالی در روز قیامت بیاد او می‌پوشاند.»

ای فرزندان امت اسلامی، عزت شما هرگز در وابستگی یا تقلید از دیگران نبوده است، بلکه در عقیده‌ای بوده که پیش از «سلطان»، «انسان» را ساخت و پیش از «آبادانی»، «دولت» را بنا نهاد.
جایگاه شما با وجود آنکه رسوالمصلی‌الله‌علیه‌وآلهم‌وسلم در آن را به این کار فرمان داده بود. از عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنهما روایت شده است که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآلهم‌وسلم فرمودند: «مسلمان برادر مسلمان است؛ به او ستم می‌کند و او را در برابر دشمن تنها نمی‌گذارد. هر کس در پی رفع نیاز برادرش باشد، الله سبحانه‌وتعالی در پی رفع نیاز او خواهد بود و هر کس اندوهی از مسلمانان بزراید، الله سبحانه‌وتعالی اندوهی از اندوه‌های روز قیامت را از او می‌زداید و هر کس بی‌بیمبستی را ببوشاند، الله سبحانه‌وتعالی در روز قیامت بیاد او می‌پوشاند.»
(روایت بخاری و مسلم)

اما این تکلمان برای پیوستن به شورای ترامپ و تقدیم اموال، تعهدات، مشارکت‌ها و اعزام ارتش‌های مسلمانان صف کشیدند تا هدف او را محقق سازند؛ هدفی که همان تأمین امنیت رژیم یهود از طریق خلق سلاح غزه، استعمار آن و تبدیل کردنش به تفریحگاه‌های توریستی است؛ تا بدین‌سان علیه خود گواهی دهند که آنان با مسلمانان در جنگ و با کفار و استعمارگران در صلح و سازش هستند.

این رئیس‌جمهور اندونزی، نوبه‌ای از این تکلمان است که در صف دشمنان امت ایستاده‌اند؛ مرگ بر حاکماتی که دین خود را به دنیا‌ی دیگران فروتند!

رازهای نهان خروج آمریکا از پایگاه التنف در سوریه استاد نبیل عبد‌الکریم

در برهه‌های منقظ‌ه و بمشددت حساس، خروج آمریکا از بره میونسید: «داعش و خطرات بازگشت آن به سوریه جدید»؛ وجود زندان‌های مملو از پیکارجویان و احتمال جابه‌جایی یا فرار آن‌ها، موضوعی جدی است. گزارش‌ها از

التنف تنها یک نقطه نظامی منزوی در میان بیابان نبود، بلکه کره ژئوپلیتیک بود که بر سرودرای میان سوریه، عراق و اردن تسلط داشت و سررشته‌های حساس را در معاهده توازن میان واشنگتن، تهران و مسکو در دست گرفته بود. در طول سالیان، این پایگاه به نمادی از حضور آمریکا مبدل گشت که در شمار نیروها محدود، اما در دلالت‌های خود عمیق بود؛ التنف دروازه دیده‌بانی، نقطه اخلال در گذرگاه زمینی استراتژیک و ابزار فشار غیرمستقیم در مذاکراتی بزرگتر از جغرافیای سوریه به شمار می‌رفت.

ازاین‌رو، خروج از آن را نمی‌توان به‌مثابه یک اقدام اداری یا بازاستقرار نظامی گذرا قلمداد کرد، بلکه نشانی است از بازآرایی اولویت‌ها و دگرگونی در فلسفه مدیریت نفوذ. آیا این یک عقب‌نشینی تاکتیکی برای کاهش هزینه و کناره‌گیری از کنون‌های فرسایشی است؟ یا گامی حساب‌شده در چارچوب یک معامله منقظ‌ه‌ای گسترده‌تر پیرامون پرونده‌هایی فراتر از سوریه؟ و با پیامی ضمنی مبنی بر اینکه دوران پایگاه‌های کوچک با نمادهای بزرگ به پایان رسیده‌تا عصر مدیریت منازعه از راه دور آغاز شود؟ نتایج بزرگ نه‌تا تعداد سربازان عقب‌نشینی کرده، بلکه تحولات تازه‌یست سر می‌گذارند و کسی که جای آن‌ها را پر می‌کند، سنجیده می‌شوند؛ چرا که التنف تنها یک گستره جغرافیایی نبود، بلکه نقطه تماس میان چندین پروژه بود: پروژه تثبیت حاکمیت دولت سوریه بر مرزهای خویش، پروژه منقظ‌ه‌ای در پی پیوند زمینی پایتخت‌ها و چشم‌انداز آمریکایی که در حال بازتعریف حضور خود در خاورمیانه است.

در جهانی که بحران‌ها در آن متقاطع شده و غیربمناهما در آن کم گشته‌اند، خروج از التنف فراتر از یک خبر نظامی آغاز می‌شود؛ این نقطه، زمان انتخاب توازن‌های جدید و آینده‌ای برای تحولات عمیق‌تر در ساختار منازعه منقظ‌ه‌ای است. از اینجا خوانش حقیقی آغاز می‌گردد: نه اینکه چرا آمریکا خارج شد؟ بلکه خروج در این زمان و مشخصاً در این مقطع، چه معنایی دارد؟

پایگاه التنف در مثلث مرزی میان سوریه، عراق و اردن، بر نزدیکی گذرگاه استراتژیک التنف در بزرگراه بین‌المللی دمشق- بغداد واقع شده است. این پایگاه در سال ۲۰۱۶ آرام از دگرگونی در هندسه قواست؛ گذار از تمرکز سخت میلادی در چارچوب ائتلافی صلیبیه به رهبری آمریکا و به پهنه‌نبرد با داعش بنا شد. اما به نقطه اتکای سیاسی جهت اخلال در پیوند زمینی میان تهران و بیروت مبدل گشت. سوریه امروز در میانه توازن‌هایی ایستاده است که تنها در مرزهایش خلاصه نمی‌شوند، بلکه در توانایی این کشور برای تنظیم آهنگ گذرگاه‌ها، مرزها، تحریم‌ها و بازسازی و واگذاری آن بر ارتش سوریه پس از یک عقب‌نشینی درجی که هفتدهه به طول انجامید، با هماهنگی اردن صورت گرفت. در پی آن، ارتش سوریه استقرار واحدها و مرزبانان خود را در مناطق پیرامونی پایگاه در مثلث مرزی سوریه، عراق و اردن آغاز کرد. به گزارش چندین منبع از جمله «یورونیوز»؛ «فراتش سوریه پس از خروج نیروهای آمریکایی، پایگاه التنف را تحویل گرفت.»

این اقدام پس از پایانیافتن نقش استراتژیک پیشین این پایگاه در مثلث داعش یا ائتلافی طبق بر خورده‌های منطقه تعیین می‌گردد؛ یا ابزاری برای رقابتی حساب‌شده که مانع از انفجار شود، و یا افزودن بمسوی ارتش براند، تا بدین‌سان ارتش تھی از روحیه اسلامی باشد؛ همان‌گونه که آمریکا طراحی کرده و سیاستمداران جدید سوریه آن را اجرا می‌کنند. این همان چیزی است که آمریکا و غرب کافر اراده کرده‌اند؛ اما آیا مجاهدان و بدنه مرمدی آنان، با پذیرش یک قانون اساسی و اجرای آن در دولتی که مکر آمریکا را باطل سازد و هسته نخستین برای آزادی بیگ‌المقدس و نشر پیام جوادان اسلام به کران تا کران جهان باشد، دیدگاه دیگری رقم خواهند زد؟!

پایگاه التنف در عمق بادیه سوریه، بیش از آنکه پاسخگو باشد، باب پرسش‌های گسترده‌ای را گشوده است. التنف تنها یک نقطه نظامی منزوی در میان بیابان نبود، بلکه کره ژئوپلیتیک بود که بر سرودرای میان سوریه، عراق و اردن تسلط داشت و سررشته‌های حساس را در معاهده توازن میان واشنگتن، تهران و مسکو در دست گرفته بود. در طول سالیان، این پایگاه به نمادی از حضور آمریکا مبدل گشت که در شمار نیروها محدود، اما در دلالت‌های خود عمیق بود؛ التنف دروازه دیده‌بانی، نقطه اخلال در گذرگاه زمینی استراتژیک و ابزار فشار غیرمستقیم در مذاکراتی بزرگتر از جغرافیای سوریه به شمار می‌رفت.

بازگشت اسلام به کرسی حاکمیت در سایه دولتی که آن را در واقعیت زندگی تجسم بخشد و آن را به‌معنوان پیام هدایت و رحمت بمسوی تمامی بشریت حمل نماید، کابوسی است که خواب را از چشمان سیاستمداران و متفکران غرب بروده است؛ از این روست که می‌چیمیم آنان برای جلوگیری از برپایی چنین دولتی و نبرد با تلاش‌گران این راه، ائتلاف‌های بین‌المللی اظهارات «از نوبل بارو»، وزیر امور خارجه فرانسه، مبنی بر اینکه «نابید هیچ مجالی برای بازگشت (تروریسم) به سوریه وجود داشته باشد»، سخنانی پرامرءه از ترس و نگرانی عمیق نسبت به برپایی خلافت است. غرب در تمام سال‌های انقلاب مبارک شام، که همست بست تا ایده اجرای شریعت را از جان فراقی برداید و آنان را به پذیرش نظام سکولار با چهره‌های عموس و جدید وادار کند؛ اما روحیه انقبالی و جهادی پولیادین اهل شام و مجاهدان، آمریکا را به هراس افکنده است، چرا که این روحیه علی‌رغم تلاش‌های آمریکا برای خفه کردن آن، روزبروز ترقوتی می‌یابد. آمریکا در تلاش است تا ارکان قدرت حاکمیت در سوریه یعنی مجاهدان و بدنه مرمدی مسلمان را از دولت دور نگاه دارد و با ادغام بازماندها و اقلیت‌های کوچک در دولت و ارتش، فضای عمومی را مسموم کرده، روحیه جهادی را نابود سازد و مخصلان را از حاکمیت و ارتش براند، تا بدین‌سان ارتش تھی از روحیه اسلامی باشد؛ همان‌گونه که آمریکا طراحی کرده و سیاستمداران جدید سوریه آن را اجرا می‌کنند.

این همان چیزی است که آمریکا و غرب کافر اراده کرده‌اند؛ اما آیا مجاهدان و بدنه مرمدی آنان، با پذیرش یک قانون اساسی و اجرای آن در دولتی که مکر آمریکا را باطل سازد و هسته نخستین برای آزادی بیگ‌المقدس و نشر پیام جوادان اسلام به کران تا کران جهان باشد، دیدگاه دیگری رقم خواهند زد؟!